

کتاب‌شناسی استاد ربّانی بیرجندی

علی‌رضا مازاریان
 عضو حلقه علمی افق
 دانش‌آموخته دوره عالی فقه مقارن

چکیده: استاد ربّانی بیرجندی از جمله حدیث پژوهانی است که ویژگی‌هایی همچون نگرش تطبیقی به مسائل، جامع‌نگری تاریخی، اظهار نظرهای کارساز و کارشناسانه، به‌کارگیری سازکارهای بایسته و نظام‌مند در ارائه مطالب، احاطه به زبان عربی و ارائه نمونه‌های عینی آثار او را متمایز کرده است. در این مجال آثار حدیثی ایشان را معرفی می‌کنیم.

واژگان کلیدی: استاد ربّانی، ویژگی‌های آثار، دانش در ایة الحدیث، قواعد فقه الحدیث، دانش رجال الحدیث، سبک‌شناسی دانش رجال الحدیث، نظریات رجالی امام خمینی.

آثار حدیث‌پژوهانه استاد محمّدحسن ربّانی از نکات و امتیازات فراوانی بهره برده است. این آثار در حوزه دانش‌های رجال، درایه، فقه الحدیث و دیگر علوم نظیر، همگی از تلاش پیوسته و چندجانبه‌ی استاد خبر می‌دهد.

دانش‌های حدیث‌محور به دلیل ارتباط با محورهای تاریخی، زبانی، کلامی و فقهی از پیچیدگی و گستره کم‌نظیری برخوردار است. از همین روی، پژوهشگر این علوم نمی‌تواند به زاویه‌ای خاص اکتفا نماید. حجت‌الاسلام و المسلمین ربّانی با تکیه بر آموخته‌های گوناگون خویش در حوزه دیرپای خراسان، پژوهش‌های نوآمد و استواری را در این عرصه عرضه نموده است.

ابتدا به ویژگی‌های فراگیری که در بیشتر نگاه‌های ایشان پیداست، اشاره‌ای کوتاه و گذرا می‌نماییم.

افق‌های متکثر و بین‌الذهبی

اگرچه کانون مطالعات استاد ربانی آثار شیعی است، اما با نگاهی باز و عمیق از بررسی آثار دیگر مذهب‌ها، مسلک‌ها و فرقه‌ها نیز فروگذار نشده است. ارجاع‌ها و نقل‌قول‌های پی‌درپی به منابع و مبانی دیگر گرایش‌های اسلامی به روشنی بر این نکته گواهی می‌دهد. ارزش تحقیق در آثار عالمان اهل سنت از سوی یک پژوهشگر شیعی با توجه به فقر جدی مطالعات مقارن را باید دوچندان دانست.

نگرش پیوسته تاریخی

استاد می‌توانسته همانند بسیاری پژوهش‌های دیگر، نگاه خود را تنها به دوره و یا زمانی خاص معطوف ساخته و از تکامل و تأثیر آرای گوناگون حدیثی بر یکدیگر چشم‌پوشد. اما خوشبختانه در کتاب‌های ایشان گویی زمان درنور دیده شده و قرون و سالیان دور، کنار هم می‌نشینند. مثلاً در کتاب‌شناسی‌های رجالی - حدیثی در کنار تألیفات مشهور و بزرگ، به تک‌نگاری‌های ناشناخته و کم‌حجم نیز اشاره می‌شود.

روان‌نویسی و ساده‌سازی

عواملی هم‌چون ارائه نمونه‌های عینی و مناسب، روشن‌سازی مفاهیم و اصطلاحات دشوار، طبقه‌بندی مطالب، آوردن منابعی برای رجوع بیشتر و نثر خوش‌خوان و روان به یاری یکدیگر فرآیند فهم را برای مخاطب تسریع نموده و ذهن او را آماده‌تر می‌سازد. از آنجا که بیشتر کتاب‌های استاد ربانی پیش از نگارش بارها به دانش‌پژوهان علوم اسلامی تدریس می‌شده، این نکات به گونه‌ای پیشینی رعایت می‌شده است.

ابتکارهای نظری

صبغه تاریخی و گزارش‌گرانه آثار ایشان به همراه ورود کارشناسانه به آموزه‌ها و مفاهیم علوم حدیث، ترکیبی ویژه را فراهم نموده است. به دیگر سخن، نویسنده گاه تاریخ‌نگاری بی‌طرف می‌شود و گاه استادی صاحب‌نظر که خود باید رأی را برگزیند یا بیافریند. در لابه‌لای کتاب‌های حجت‌الاسلام و المسلمین ربانی نگاه‌ها و نکته‌هایی نو

نشسته است که تنها خواننده آگاه آن را درمی‌یابد.

اندیشه درخت‌وارهای و منسجم

سالیانی دراز تکنگرایی‌هایی بی‌شمار پیرامون مباحث خاص و جزئی علوم حدیث در قفسه‌های کتابخانه‌های علوم اسلامی خاک می‌خورد. این سلسله نگاه‌ها هر چند ارزشمند و خواندنی باشد، از فقدان نگرشی نظام‌مند و مرتبط رنج می‌برد. در واقع حلقه‌های مفقوده‌ای میان مسائل، بخش‌ها و رویکردهای هر علم و پیوند آن دانش با دیگر دانش‌ها وجود دارد. پژوهش‌های استاد در علوم حدیث بر دانش و مطالعات گسترده ایشان تکیه دارد. از این رو، به آسانی می‌توان نگاه تودرتو و منسجم نویسنده در فهرست هر کتاب و چگونگی آمد و شد به مباحث را مشاهده کرد.

کاربرد ادبیات عربی کلاسیک

حجت‌الاسلام و المسلمین ربانی بخشی از عمر و توان علمی خویش را به تدریس و تحقیق در ادبیات عرب (صرف، نحو، بلاغت، لغت و ...) گذرانده است. اینک بازتاب سال‌ها ریزبینی ادبی استاد در میانه تحقیقات آشکار شده است. از آنجا که زبان علمی چیره در طول روزگاران تمدن اسلامی و دانش مسلمین، «عربی» بوده است، تبخّر و خبرگی در این زبان، کاربرد چشم‌گیری در بازخوانی علوم اسلامی دارد.

نمونه‌های تطبیقی فراوان

استاد با گونه‌ای رویکرد میان رشته‌ای در میان تحقیقات علوم حدیثی، نمونه‌هایی عینی از متون فقهی می‌آورد که هم فرآیند فهم را برای خواننده تسهیل می‌کند و هم بر کاربردی و مفید بودن مباحث کتاب می‌افزاید. اکنون، به هر یک از آثار ایشان در زمینه علوم حدیث، نگاهی گذرا خواهیم داشت.

۱. دانش در ایه الحدیث

دانش در ایه، به کلیات و قواعد بررسی سند و متن احادیث می‌پردازد. از این رو، در مسیر شناخت و تولید دانش‌های اسلامی جایگاهی تعیین‌کننده یافته است. استاد محمدحسن ربّانی در کتاب برگزیده «دانش در ایه الحدیث» و در هفت فصل مسائل مهم و کلیدی این دانش را کاویده است. این کتاب نظر به ابتکار و ذوق فراگیر نهفته

در خود، در کنار دیگر عوامل پژوهشی، جایزه کتاب سال ۱۳۸۲ را نصیب نویسنده توانمندش ساخته است.

در فصل نخست نگاهی از بالا به این دانش و تعریف، جایگاه، شاخه‌ها و کتاب‌های مهم آن افکنده شده و در دومین فصل به اصطلاحات پر کاربرد آن پرداخته شده است. در واقع بخش دوم را می‌توانیم جرقه یک اصطلاح‌شناسی معتبر در زمینه علوم اسلامی بدانیم. در این بخش با تقسیم اصطلاحات، به دو قسم درون‌حدیثی و برون‌حدیثی درباره آن توضیح داده می‌شود. واژگان مرتبط با متن حدیث (هم‌چون سنت، خبر و مسند) در قسمت نخست و مفاهیم مرتبط با عوارض حدیث (هم‌چون اصطلاحات شخصی و اصطلاحات تحمّل حدیث) بررسی می‌شود. نویسنده در ادامه به نکاتی مفید درباره اصطلاحات کتاب‌شناسی از قبیل معجم، مستدرک و ... اشاره می‌نماید.

در فصل سوم اقسام کلی خبر (متواتر، واحد، مستفیض و عزیز) و زیرشاخه‌های آن مطرح شده و در فصل چهارم بحث اعتبار و حجیت اخبار آمده است.

سه بخش پایانی کتاب تقریباً دو برابر چهار بخش نخستین، مطلب دارد. روشن است که «اقسام حدیث»، «اقسام حدیث ضعیف» و «جرح و تعدیل» گرانگه مسائل علم درایه است. بدین جهت در این پژوهش نیز به گونه‌ای پیرامنه مطرح شده است. نمونه‌هایی که در تعریف و توضیح اصطلاحات آورده می‌شود، عمدتاً تازه و خواندنی است و ریشه‌یابی سیر و تطوّر تاریخی دانش‌های حدیثی را آسان‌تر می‌سازد.

استقبال و توجه دانش‌پژوهان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه به این کتاب باعث شد چند مقاله در معرفی و نقد آن نوشته شود. اولین نقد عالمانه از دکتر شهیدی و دومین نقد و معرفی از استاد محمدرضا جدیدی نژاد (در مجله علم‌الحدیث، ش ۴۰) و سومین نقد از سوی حجت‌الاسلام دکتر سید علی دلبری (عضو هیئت علمی دانشگاه رضوی در مجله آن دانشگاه) منتشر شد.

در این کتاب به ۴۵۳ منبع ارجاع داده شده و با توجه به معاصر بودن نیمی از این منابع، کتاب در فضایی زنده و به‌روز پیش می‌رود. به عبارت دیگر توجه صرف به آثار فقهی - حدیثی قداما که گاهی به اشتباه برجستگی شمرده می‌شود، در این کتاب مزیت دانسته نشده و حجاب معاصرت برانداخته شده است.

۲. اصول و قواعد فقه‌الحدیث

مبانی فهم دلالی روایات به دانش فقه‌الحدیث واگذار شده است. هم‌چنین برای

دستیابی و شناخت حقایق و مقاصد اخبار باید به این علم روی آورد. به تعبیر استاد رآنی از آنجا که همه دانش‌های حدیثی، پیش‌درآمدی بر درک و دریافت مفاهیم حدیث است، پس باید حساسی ویژه برای فقه‌الحدیث گشود.

با مروری بر مطالب کتاب «اصول و قواعد فقه‌الحدیث» سه هدف عمده اصطلاح‌شناسی، کتاب‌شناسی و قاعده‌شناسی در این دانش آشکار می‌گردد. دو هدف نخست در بخش آغازین کتاب و هدف سوم در بخش دوم کتاب پی‌گرفته می‌شود و در پایان نیز به پارهای نکات لازم در شرح حدیث هم‌چون غریب‌اللغة و علاج‌الحدیث پرداخته می‌شود.

مؤلف در قسمت اول تعریفی فراگیر از فقه‌الحدیث آورده و آن را اعم از فقه‌اللغة، شرح لغات و برداشت‌های مستفاد از حدیث می‌داند. افزون بر آن به فهرست آثار دوره طلایی این دانش؛ (دو قرن یازده و دوازده هجری) هم‌چون کتاب‌های چهارگانه مرحوم محمدتقی مجلسی، وافی مرحوم فیض کاشانی، شرح اصول کافی ملاصالح مازندرانی و ... اشاره می‌کند.

در خلال پنج صفحه و به اختصار، کتاب‌شناسی آثار فقه‌الحدیثی عامه نیز مطرح می‌شود. استاد رآنی پس از آن تفاوت فقه‌الحدیث و غریب‌الحدیث را بیان کرده و پیش از آوردن نمونه‌هایی برای کتاب‌های غریب‌الحدیث، نظر خود را مبنی بر لزوم جداسازی این دو دانش ابراز می‌کند.

در قسمت بعدی، بیست قاعده الزامی فقه‌الحدیث مانند توجه به آغاز و انجام روایت، رجوع به منابع اولیه حدیث، توجه به اضطراب روایات و ... می‌آید. در این میان مهمترین قاعده، رجوع به منابع اولیه است که فایده‌های علمی فراوانی به همراه دارد. استاد برای رعایت این قاعده هشت فایده ذکر نموده‌اند.

هم‌گام با پیشروی بحث‌ها، نکاتی به‌جا نیز از دیگر دانش‌ها ذکر می‌شود. مثلاً در قاعده شانزدهم؛ «پیش‌داوری نکردن درباره حدیث» به دیدگاهی از علامه طباطبایی در المیزان پرداخته و علاوه بر آن چند نمونه از پیش‌داوری‌های عالمان تفسیر را نقل می‌نماید.

در کنار این بیست قاعده آن‌قدر نمونه‌ها و مطالب جذاب دیده می‌شود که کتاب را از فضایی انتزاعی و خشک خارج می‌کند. مثلاً در خلال قاعده‌های هفتم و هشتم (تقیه و نسخ) مطالبی از علوم قرآنی نیز وام گرفته می‌شود.

قاعده پایانی؛ «توجه به مقاصد عمومی شریعت» نیز عهدمدار بحثی کم‌سابقه در میان

عالمان شیعی است. این قاعده با حجمی اندک در این کتاب نیازمند توسعه بیشتری است. نویسندگان به نمونه‌هایی از مرحوم محمدجواد مغنیه، شهید سید محمدباقر صدر و مرحوم امام اشاره می‌نمایند.

در پانزده صفحه پایانی که بخش سوم کتاب را شکل می‌دهد، نکاتی پیرامون جنبه‌های لغوی، ادبی و رجالی احادیث گردآوری شده است. این کتاب ارزشمند به سفارش دفتر تبلیغات اسلامی خراسان و از سوی انتشارات بوستان کتاب قم و در سی صد صفحه و با سی صد منبع تقدیم حدیث پژوهان شده است.

۳. دانش رجال الحدیث

دانش رجال در شکوفایی حدیث پژوهی ارزشی بی‌بدیل داشته است. در این دانش وضعیت روایان احادیث و طبیعتاً میزان اعتبار احادیث، روشن شده و ساز و کار منضبط و سامان‌مند می‌یابد.

کتاب «دانش رجال الحدیث» که بازتاب تلاش‌های استاد محمدحسن ربانی است، بر انتقال آسان این دانش به نسل‌های جدید (اعم از طلبه و دانشجو) تأثیر داشته است.

سیر تاریخ‌مند و پیوسته مباحث کتاب، در کنار دیگر تقسیم‌ها، ذهن خواننده را بی‌امان و رها نگذاشته و نکاتی دانستنی را به او می‌آموزاند. در نخستین بخش با فهرست کردن هزار سال تألیفات رجالی، کتاب‌شناسی خوبی ارائه شده است. رشد و تطوّر دانش رجال با بررسی این نمونه‌ها بسیار ملموس می‌شود.

هر چند صفحاتی به دلایل ضرورت و نیاز به رجال اختصاص یافته، اما خواننده تنها با خواندن همین شاهدهای عینی به سر نیاز به این دانش واقف می‌شود. در توضیح هر کتاب و یا هر عالم رجالی به نظریات گوناگون او و مدح و ذم‌های مرتبط با او اشاره و دوره‌های سه‌گانه تشکیل، تکمیل و تقسیم علم رجال به تفصیل ارزیابی می‌شود.

نویسنده در بخش اول کوشیده به استوانه‌های دانش رجال، هم‌چون کشی، نجاشی، شیخ طوسی، ابن غضائری، علامه حلی و تنی دیگر از بزرگان بپردازد و هیچ نام بلندی را فراموش نکند.

قسمت دوم کتاب به تحولات چهارصد سال اخیر اختصاص یافته است. مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره «تصنیف و گردآوری روایان»، «قرائن اثبات وثاقت» و «طرح

دیدگاه‌های انتقادی» نسبت به راویان دانسته می‌شود. این ویژگی‌ها و چند نکته دیگر، یک به یک در نگاشته‌های این چهارصدسال دنبال می‌شود. گزارش‌های استاد ربّانی از بزنگاه‌های علم رجال معمولاً منصفانه و بی‌طرفانه است.

افزون بر کتاب‌ها، درنگی جداگانه در نظرگاه‌های آیت‌الله بروجردی به چشم می‌آید. در پایان بخش دوم نیز به تکنگاری‌های متفرقه رجالی بر می‌خوریم. در سومین بخش، بحث پر حاشیه توثیق و تضعیف راوی پیش می‌آید. آرای مطرح مرحوم خوبی و مرحوم شوشتری ساختار اصلی این بخش را رقم زده است. اما به دیگر گرایش‌ها نیز توجه می‌شود.

در بخش پایانی، قواعد عام توثیق مانند قاعده اجماع، مشایخ اجازه، و کالت امام، کثرت روایت راوی و ... کاویده شده و برای هر قاعده چندین مثال از کتاب‌های رجالی آورده می‌شود. هم‌چنین آرای فقیهان درباره قاعده و تأثیر آن در فقه بیان شده است.

۴. سبک‌شناسی دانش رجال الحدیث

این کتاب بازنوشته و بازویراسته درس‌های استاد ربّانی در میان طلاب فاضل مؤسسه فقهی ائمه اطهار است. از آنجا که تاکنون به بحث سبک‌شناسی به طور عمومی و به‌ویژه در دانش رجال توجه شایسته نشده است، این کتاب می‌تواند آغازگر خوبی برای این بحث باشد. هم‌چنین باید به احراز جایزه کتاب سال حوزه در سال ۱۳۸۶ اشاره داشت.

حجت‌الاسلام و المسلمین ربّانی کتاب را به دو بخش اصلی «هزار سال تألیفات رجالی» و «آثار چهارصد سال اخیر» تقسیم نموده است. در نخستین بخش پس از ذکر مقدماتی چون ادله نیازمندی به دانش رجال و حجیت قول رجالیان، به شرح و توضیح آثار پنج شخصیت بزرگ رجالی؛ کشی، نجاشی، شیخ، علامه و ابن‌داود پرداخته می‌شود.

در این میان یکی از گام‌های مهم در راه سبک‌شناسی مقایسه و تطبیق مکاتب و کتب با یکدیگر است. از همین روی، فی‌المثل به نکات مشترک فهرست‌های نجاشی و شیخ طوسی اهمیت داده می‌شود. رأی استاد ربّانی این است که چون شیخ و نجاشی، هر دو از شاگردان ابن‌غضائری بوده و در رجال از او بهره برده‌اند، در کتاب‌های خود واژگان مشترکی را به کار گرفته‌اند.

نویسنده در بخش دوم کتاب، نخست به تنویع حدیث در میان سنیان و شیعیان

می‌پردازد. حجم این دو شاخه با هم برابر است. بازتاب‌های چهاربخشی‌سازی حدیث (صحیح، حسن، موثق و ضعیف) در کتب شیعی که گویا از زمان جمال‌الدین سیدبن طاووس آغاز شده، در این بخش پی گرفته می‌شود.

گرانگه سبک‌شناسی در این کتاب، تقسیم تألیفات چهارصدساله اخیر بر اساس روش تحقیق و نگارش کتب رجالی است. آثار رجالی این دوره بر اساس یکی از روش‌های پنج‌گانه «تنويع حدیث»، «گردآوری قرائن»، «شناسایی عناوین مشترک»، «نقد قرائن» و یا «به شیوه تصنیف» آفریده شده است. استاد ربّانی با این تقسیم‌بندی بدیع کتاب‌های رجالی، فضایی نو در برابر خواننده می‌گشاید.

همچنین مقایسه‌هایی میان دائرةالمعارف‌های رجالی علامه مامقانی و علامه شوشتری صورت می‌پذیرد. در فصل ششم کتاب تمرکز خاصی بر آرای رجالی، حدیثی و فقه‌الحدیثی مرحوم آیت‌الله بروجردی دیده می‌شود. منهج رجالی آیت‌الله بروجردی بر اساس نگرش فقهی و دقیق و نه تنها محدث شکل گرفته است. در این روش به سیر تاریخی و ارتباط راویان و کتب و نیز به مبانی فقهی و حدیثی عامه‌اهتمامی فراوان تعلق می‌یابد.

ویژگی‌های کلی این کتاب عبارت است از: بیان سیر تطوّر دانش رجال، شناسایی محتوایی کتاب‌های رجالی و بیان سبک آنها، تأثیر و تأثر آثار رجالی بر یکدیگر، توجه به افق‌های جدید هر کتاب و نوآوری‌های هر یک، بیان قواعد رجالی در لایه‌لای کتاب‌شناسی و ارائه نظر نویسنده آن کتاب، ذکر نمونه‌هایی از متن تألیفات فقهی و بیان شیوه رجالی آیت‌الله بروجردی که درخور کاوش فراوان است.

۵. بررسی نظریات رجالی امام خمینی ;

کتاب بررسی نظریات رجالی امام خمینی ; با نگاهی عالمانه، زاویه‌ای جدید از چهره علمی مرحوم امام را مورد توجه قرار داده است. تا کنون کتاب‌ها و نوشتارهای فراوانی پیرامون ابعاد شخصیتی رهبر انقلاب نگاشته شده است، اما نمای نخبگانی و اندیشمندانه ایشان هنوز به روشنی کامل، شناسانده نشده است. بازشناسی آرای ابتکاری و ویژه امام نیاز به تلاش‌های پی‌درپی و چندجانبه‌ای دارد.

در همین راستا استاد محمدحسن ربّانی با نگارش این کتاب از چهره رجالی - حدیثی مرحوم امام، نقاب برانداخته است. آن فقیه بزرگ اگر چه به تبخّر در دانش رجال شناخته نشده است، اما نمی‌توان از تأثیر دیدگاه‌های رجالی‌اش در روند استنباط

فقهی چشم پوشید. حجت‌الاسلام ربّانی با توجه به تأثیرپذیری غیرقابل چشم‌پوشی امام از نظر گاه‌های آیت‌الله بروجردی بابی جدید در این زمینه می‌گشاید. در فصل نخست، ایشان را از طرفداران مکتب «وثوق صدوری» دانسته و بدین جهت است که کفّه متن در ترازوی امام بر سند سنگینی می‌کند. جنبه درخشان این برداشت‌های استاد، نبودن موضوع پژوهش است. بدین معنا که نویسنده آرای رجالی را از لابه‌لای تحقیقات فقهی امام - و نه از کتاب رجالی مستقلی - نقل می‌کند. مثلاً نظر ایشان درباره قاعده اجماع را از سخنانی تحت عنوان عصیر زبیبی در کتاب الطهارة درمی‌یابد. این روش در نگاه نخست آسان پنداشته می‌شود، اما مستلزم خوانش محققانه آثار فقهی امام است.

در فصل سوم کتاب با ذکر نمونه‌هایی، دلیل حجت‌دانستن مرسلات ابن‌ابی‌عمیر و نه مسندات او در مکتب امام پژوهیده می‌شود. در آخرین فصل، پیش از خاتمه به شیخوخیت اجازه می‌رسیم. در میانه‌های این بخش نکاتی خواندنی آمده است. به عنوان نمونه می‌توان به استدلال مرحوم امام برای اعتمادآور نبودن دعای معصوم اشاره نمود. ایشان معتقد بوده است از آنجا که امامان گاهی برای غیردوستان خود دعا می‌کرده‌اند، پس دعای معصوم اعم از توثیق بوده و موجب اعتماد به راوی نمی‌شود. در خاتمه به بررسی جایگاه سکونی (راوی سنتی مذهب)، نوفلی، سهل‌بن‌زیاد و محمدبن‌سنان پرداخته می‌شود. هم‌چنین تمایل امام به خطاپذیری برخی روایات کتاب شریف کافی مطرح می‌شود.

این کتاب که ترکیب سه مقاله کارشناسانه از استاد محمدحسن ربّانی است، در ۳۰۰ صفحه و با ارجاع به ۲۴۳ منبع دست اول از سوی انتشارات بوستان کتاب قم چاپ شده است.